



محمد فرامند

سفير سابق ايران در تركيه

ایران و ترکیه توانسته بودند در طول ۱۳ سال بحران سوریه، روابط خود را مدیریت کنند و نگذارند دیدگاه متفاوت در مورد سوریه منجر به تنش در روابط دیرینه و همه جانبه شود بلکه در پرونده سوریه هم سازوکاری را برای همکاری ایجاد کردند که بدون دستاورد نبود. اکنون نیز دو کشور نباید اجازه دهند پرونده سوریه با همه اهمیتی که برای دو کشور دارد روابط دیرینه دو ملت را تیره سازد. در هر دو کشور حتی قبل از سقوط دمشق جریاناتی بودند که دنبال دشمن تراشی بودند بعد سقوط اسد صدای این جریان بیشتر بازناب می شود. سقوط بشار اسد نتیجه یک عملیات نظامی نبود که بتوان گفت تمهیدات درازمدتی برای آن صورت گرفته باشد. امکانات تحریر الشام و سایر گروه های مسلح در ادلب به اندازه فتح دمشق نبود آنها حاکم اکثری می توانستند ادلب را حفظ کنند. فروپاشی نظام سوریه نتیجه ضربات بی سابقه امنیتی و اطلاعاتی به محور مقاومت بود که قبل از آن در لبنان منجر به ترور و حذف رهبران و فرماندهان حزب... شده بود با این تفاوت که حزب... بعد از این ضربات محبوبیت و مشروعیت خود را در لبنان و به ویژه در بین هواداران حفظ کرده بود در حالی که در سوریه عدم محبوبیت نظام اسد و فقدان پایگاه مردمی حزب بعث، فروپاشی اطلاعاتی به سرعت منجر به سقوط نظام سیاسی شد. از اسد و ارتش بی آرمان سوریه توقع نمی رفت که تا پای جان مقاومت کنند لذا هنگامی که بشار احساس کرد کاملاً در چتر اطلاعاتی مוסاد گرفتار شده و زمان حذفش فرارسیده فقط به نجات خود و خانواده اش اندیشید. سقوط امنیتی بدون درگیری نظامی در کشوری که بیش از نیم قرن توسط یک خاندان و یک اقلیت اداره شده است، نسبت به سقوط نظامی این امتیاز را داشت که فروپاشی نظام به فروپاشی کشور منجر نشد همچنین با کشتار و خونریزی و انتقام جویی کور همراه نبود. با این حال سوریه تا تأسیس یک نظام جدید و رسیدن به ثبات، راه پیچیده ای در پیش دارد. حملات نظامی اسرائیل به امکانات وزیر ساخت های دفاعی سوریه نخستین علامت بود که حفظ تمامیت ارضی و نظام سازی در سوریه کار آسانی نخواهد بود حاکمان جدید سوریه و متحد آنها چنانچه در مقابل نقض تمامیت ارضی سوریه سکوت کنند در کسب مشروعیت برای ایجاد یک نظام سیاسی قوی دچار مشکل خواهند شد و پیرا زود باید نشان دهند که به اندازه بشار و پدرش قادر به متوقف کردن اسرائیل هستند. هیچ تردیدی نیست که اسرائیل نسبت به همه همسایگانش طمع دارد و اگر مقاومتی نباشد امیرزهای ترکیه پیش خواهد رفت. حزب... با همه ضرباتی که متحمل شد توانست پیوسته روی زمین اسرائیل را متوقف کند. موضوع اشغالگری اسرائیل تنها یکی از معضلات حاکمان جدید سوریه و ترکیه نخواهد بود، نحوه تعامل با گروه های کردی که از حمایت آمریکا و اروپا برخوردارند و نحوه مشارکت دادن آنها در نظام سیاسی جدید معضل بزرگ دوم است. این گروه ها از منظر ترکیه مورد بیست هستند. آیا ترکیه می تواند با این گروه ها را خواهد پذیرفت یا وارد یک جنگ طولانی مدت با آنها می شود؟ هنوز زود است در این خصوص سخن قطعی نتوان گفت. مشکل سوم بازسازی اقتصادی سوریه است. شاید در ادلب، حاکم قور به حمایت مالی از متحدانش بود و می توانست بخشی از هزینه ها را برای کنترل موج مهاجرت به عهده اروپایی ها بیندازد اما اکنون اپوزیسیون سابق باید کل سوریه را اداره کند. اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۲۳ تورم بالای ۸۰ درصد را تجربه کرده بود، با وجود برنامه های اصلاحی بعد از انتخابات ۲۰۲۳ کاهش نرخ تورم به زیر ۵ درصد هنوز تراز تجاری ترکیه منفی است و نمی تواند به تنهایی به بازسازی اقتصادی سوریه کمک کند و نیازمند جذب کمک های عربی و بین المللی است. عرب ها و اروپایی ها هم برای شرکت در بازسازی سوریه شرایطی دارند. از جمله شرکت دادن گروه های کردی در حاکمیت جدید. فراموش نکنیم که ترکیه در دو دهه اخیر با اروپا هم بر سر مسائل منطقه مدیترانه مشکلات زیادی داشته است. کسانی که تحلیل می کردند که طوفان الاقصی منجر به تحولات بزرگ و تغییر نظم سیاسی جدیدی در منطقه خواهد شد شاید چند ماه پیش نمی توانستند پیش بینی کنند که یکی از نتایج آن سقوط بشار اسد و دست بالای ترکیه در سوریه و باز شدن فضا و زمینه سوریه برای اسرائیل شود. هنوز زود است که بتوانیم درباره آرایش جدید صحنه خاورمیانه از جمله شامات با اطمینان سخنی بگوییم. ولی با وجود انتقادات و گلایه هایی که ایران و ترکیه در روزهای اخیر از یکدیگر داشته اند هنوز سوریه و حفظ تمامیت ارضی و ایجاد یک حاکمیت ملی قوی می تواند موضوع مذاکره و همکاری ایران و ترکیه باشد. بدون تردید کنترل خشم و اقدامات خود سرانه مسلحین و عدم کشتار و انتقام جویی کور و عدم تعرض به اماکن مذهبی یکی از نکات مثبتی بود که در سایه روابط و تماس های دولت های ایران و ترکیه اتفاق افتاده است.

ویژه

مخدوش کردن واقعیت «هنر» است

ناترازی انرژی در شکل های مختلف این روزها تقریباً همه را به واکنش واداشته است. آنهایی که نزدیک به دولت به شمار می آیند تنها می کنند موضوع را نتانچان که هست برای مردم باگو کنند و مخالفان دولت بخصوص پایداری چی هافرست را نغمیت شمرده و راست و دروغ را بهم می بافند تا از این میان کلاهی برای خود بسازند. با همه اینها ممکن نیست کسی نداند که هرچه از ناترازی هست به سال های قبل برمی گردد و ناترازی هارثی قدیمی است که به امروز رسیده است. کاتال پرزشکیان در تلگرام نوشت: «ثابتی، نماینده پایداری چی مجلس گفته است با سفر شهید رئیسی به ترکمنستان، واردات گاز از این کشور احیا شد تا بحران گازی در سال ۱۴۰۲ تکرار نشود. دروغی دیگر از طرفداران دولت سابق هیچ قرارداد گازی بین ترکمنستان و ایران اجرایی نشد؛ همه آن چیزی که ثابتی می گوید قرارداد سوآب گاز بود که سهم ایران ۲ میلیون مترمکعب در روز بود. وی می شود با این عدد کسری ۳۰۰ میلیون را پوشش داد حرفی نیست ولی همان راه هم دی ماه پارسل قطع کردند. به مردم دروغ نگویید آقای نماینده!»

مرتضی افقه در گفت وگو با «آرمان ملی»:

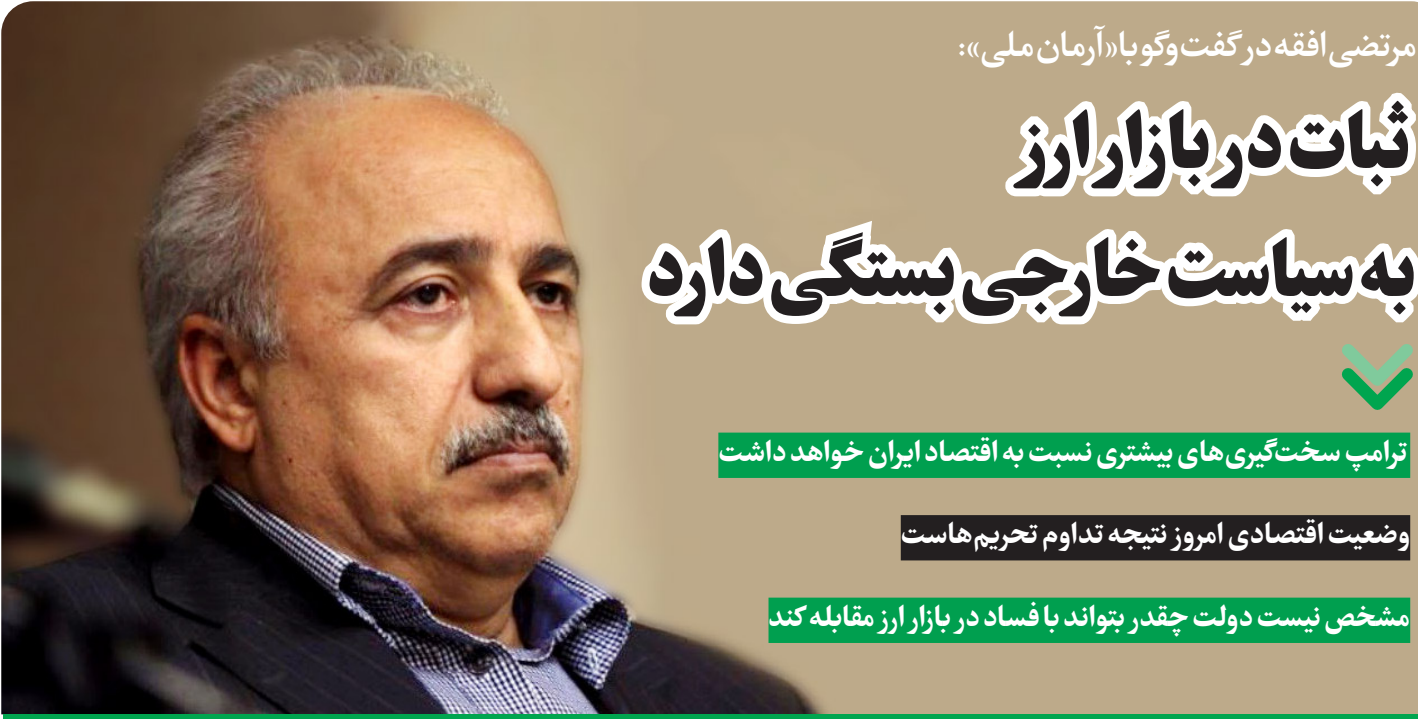
ثبات در بازار ارز

به سیاست خارجی بستگی دارد

تراмп سخت گیری های بیشتری نسبت به اقتصاد ایران خواهد داشت

وضعیت اقتصادی امروز نتیجه تداوم تحریم هاست

مشخص نیست دولت چقدر بتواند با فساد در بازار ارز مقابله کند



آرمان ملی- احسان انصاری: دولت در حالی ارز نیمایی را حذف کرد که در هفته ای که گذشت قیمت ارز و طلا روند صعودی پیدا کرد و در برخی مقاطع به قیمت دلار به ۷۷ هزار تومان نیز رسید. این در حالی است که به نظر می رسد با نزدیک شدن به آغاز رسمی ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا شرایط اقتصادی ایران تغییر نیز خواهد کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چشم انداز پیش روی اقتصاد ایران با دکتر مرتضی افقه اقتصاد دان گفت وگو کرده است. افقه در این زمینه معتقد است: «حذف ارز نیمایی به واسطه بحران ارز دولت و نیاز به ساماندهی چند قیمتی بازار صورت گرفته است. در واقع قضیه حذف ارز نیمایی به کسری بودجه دولت و ناتوانی

مهم ترین دلایل افزایش قیمت ارز و طلا در روزهای اخیر چه مسائلی بود؟

در شرایط کنونی نزدیک به هفت سال است که از تشدید تحریم ها گذشته است. آسیب هایی که این تحریم ها در سال های اخیر بر اقتصاد ایران وارد کرده نیز از دوران جنگ ایران و عراق هم بدتر بوده است. دلیل این موضوع نیز این است که ایران در دوران جنگ در زمینه صادرات و واردات محدودیتی نداشت. از سوی دیگر در زمینه تبادلات مالی و انتقال پول نیز با محدودیت مواجه نبود. در آن مقطع زمانی ایران تنها با آمریکا مبادله نداشت و با بقیه کشورها مبادله اقتصادی و خدماتی داشت. این در حالی است که تشدید تحریم ها در سال های اخیر همه این تبادلات را متوقف کرده است. وضعیت به صورتی است که فروش نفت در سال ۱۳۹۸ نیز در حد صفر بود. پس از این بود که تلاش هایی صورت گرفت که با دورزدن تحریم ها نفت به فروش برسد. این در حالی است که دورزدن تحریم ها نیز به نوعی خسارت به کشور وارد می کند. به همین دلیل نیز درآمد دولت پس از تشدید تحریم ها کاهش پیدا کرده است. در شرایط کنونی آقای همتی با تک نرخی کردن نرخ ارز نرخ ارز نیمایی را بالا برده است. دولت فکر می کند با این اقدام صادرکننده انگیزه پیدا می کند که ارز را وارد کنند و این می تواند عرضه ارز را افزایش و دلار را کنترل کند. این در حالی است که قیمت یک عامل برای تأثیرگذاری بر عرضه یا تقاضاست. در شرایط فعلی سرمایه گذاران که شرایط منطقه و اوج گیری تنش ها را می بینند و از طرفی انتظار آمدن ترامپ، حتی با افزایش قیمت ارز نیمایی، بازهم نگرانی از آینده مانع می شود که ارز خود را وارد کشور کنند.

حذف ارز نیمایی را در شرایط کنونی تصمیم صحیحی می دانید؟

حذف ارز نیمایی به واسطه بحران ارزی دولت و نیاز به ساماندهی چند قیمتی بازار صورت گرفته است. در واقع قضیه حذف ارز نیمایی به کسری بودجه دولت و ناتوانی ارزی دولت در شرایط فعلی برمی گردد. دولت پرزشکیان در بدترین شرایط اقتصادی مسئولیت را برعهده گرفته است. بعد از ۷ سال تداوم تحریم و افزایش هزینه های دولت تنش های منطقه نیز شدت یافت و بر شرایط اقتصادی اثر منفی گذاشت. دولت قبل با ادعای اداره کشور با وجود تحریم ها شرایط بحرانی به وجود آورد و آن را تحویل پرزشکیان داد. در نتیجه هنگامی که دولت ۷ سال نتواند ارز کافی وارد کشور کند باید ارز های موجود خود را مدیریت کند. دولت با این کار در حال ساماندن بازار

ارزی دولت در شرایط فعلی برمی گردد. دولت پرزشکیان در بدترین شرایط اقتصادی مسئولیت را برعهده گرفته است. بعد از ۷ سال تداوم تحریم و افزایش هزینه های دولت تنش های منطقه نیز شدت یافت و بر شرایط اقتصادی اثر منفی گذاشت. دولت قبل با ادعای اداره کشور با وجود تحریم ها شرایط بحرانی به وجود آورد و آن را تحویل پرزشکیان داد. در نتیجه هنگامی که دولت ۷ سال نتواند ارز کافی وارد کشور کند باید ارز های موجود خود را مدیریت کند. دولت با این کار در حال ساماندهی بازار ارز و جلوگیری از فساد در این بازار است اما مشخص نیست چقدر موفق عمل کند. در ادامه حاصل این گفت وگورا می خوانید.

ارز و جلوگیری از فساد در این بازار است، اما مشخص نیست چقدر موفق عمل کند. در این ۷ سال جایگزین های درآمد نفت تخلیه شده و هرچه اموال دولتی بود را فروختند اما باز هم بحران ارزی وجود دارد. دولت فعلی چیزی برای جایگزین کردن ندارد و به همین دلیل سراغ حذف ارز نیمایی رفته است. من بنابراین بعید می دانم انتظاری که بانک مرکزی از افزایش قیمت ارز نیمایی دارد به نتیجه برسد. حاصل این شده که عوامل اوج گیری تنش های منطقه و تهدیدهای اسرائیل برای حمله به مراکز هسته ای ایران و نزدیک شدن به شروع کار ترامپ و از طرفی افزایش قیمت ارز نیمایی فشار ایجاد کرد که قیمت دلار در بازار آزاد افزایش یابد.

نوسان قیمت ارز و طلا به چه میزان ادامه دارد؟ آیا این روند صعودی همچنان ادامه پیدا خواهد کرد؟

واقعیت این است که باید صبر کنیم تا ترامپ کار خود را به صورت رسمی آغاز کند که آیا در سیاست خارجی مانع اتفاقی رخ خواهد داد یا نه. متأسفانه دولت قبل فرصت ها را از دست داد و زمانی که قدرت چانه زنی بالاتری داشتیم و هنوز مسائل منطقه در لبنان و سوریه به ضرر ایران نشده بود می توانستیم احتمالاً به توافقی برسیم اما در حال حاضر ایران در موضع ضعف در منطقه قرار دارد و قدرت چانه زنی بالایی ندارد. به همین دلیل نیز ناچار هستیم مذاکره کنیم، اما این بار از موضع پایین تر. ضمن اینکه اگر توافقی انجام نشود و تحریم ها برداشته نشوند هم باید عنوان کرد این روند ادامه پیدا خواهد کرد. اگر ترامپ کار خود را آغاز کند و سخت گیری هایش را آغاز کند، حتی فروش همین میزان نفتی محدود هم برای ایران ممکن نخواهد بود و فشار بر کشور بالا خواهد رفت. در داخل باید اقداماتی برای کاهش هزینه های غیر ضروری و دریافت مالیات از برخی نهادها صورت گیرد. ترامپ دیدگاه متناقضی در سیاست خارجه اش دارد. او از یک سومی گوید نمی خواهد وارد هیچ جنگی شود و از سوی دیگر به شدت حامی اسرائیل است. از آن بدتر به لحاظ اقتصادی همان یک و نیم میلیون بشکه نفتی که در بودجه سال ۱۴۰۴ پیش بینی کردند و در دوره بایند در همین حدود بشکه نفت فروخته می شد، به دلیل سخت گیری ترامپ همان هم محقق نمی شود. بایند مقداری خودش اغماض می کرد تا ایران را به سمت فعالیت انرژی هسته ای هل ندهد، اما ترامپ نمی گذارد همین میزان را هم بفروشیم. از این رو به نظر می آید اگر تحول جدی در این موضوع رخ ندهد ممکن است سال سختی به لحاظ اقتصادی پیش روی ما باشد. قیمت ارز، طلا و سکه رو به بالا می رود.

بورس هم با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

به چه میزان این احتمال وجود دارد که رویکرد ایران در سیاست خارجی نسبت به ترامپ تغییر پیدا کند؟

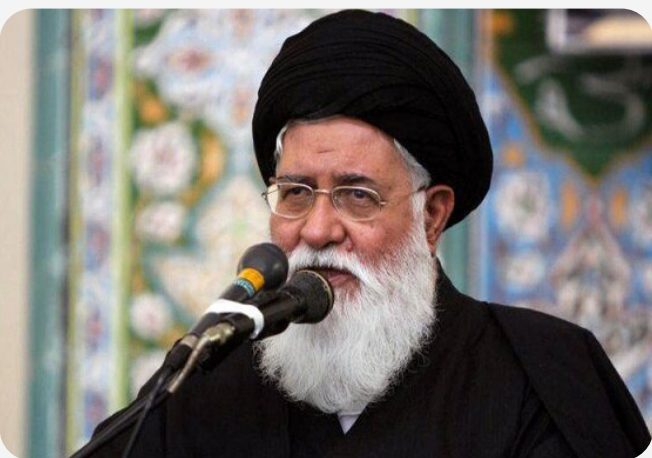
در شرایط کنونی دولت بی پولی خود را از مدیریت ارز تأمین می کند. تصور دولت این است که با حذف ارز نیمایی انگیزه برای صادرکنندگان ایجاد می شود که پولشان را به کشور بگردانند و در همین شرایط بازار با ارز بسیاری مواجه شود. وزیر اقتصاد به این نکته توجه ندارد که واردکننده فقط به خاطر ارز در نرخی پول های خود را در خارج نگه نمی داشت بلکه نگرانی از آینده کشور باعث شده سرمایه هادر کشورهای دیگر باقی بماند. به همین دلیل نیز گرایش به بازگرداندن

ارز در دوران ترامپ نیز کمتر می شود و تنش های منطقه ای هم روی این مسأله اثر می گذارد. من معتقدم با توجه به دوره گذشته ریاست جمهوری ترامپ واقعیت این است که ترامپ سخت گیری های بیشتری نسبت به ایران و محاصره اقتصادی کشورمان خواهد داشت. ترامپ در واقع کمربند تحریم های اقتصادی که در دولت اول خودش بسیار محکم شده و در دولت بایند و ابراهیم رئیسی کمی شل شده بود را سخت تر از هر زمان دیگری خواهد بست. برخی تصور می کردند دولت سیزدهم از فرصت احیای اقتصاد ایران و کاهش تحریم های اقتصادی بهره لازم را برده و زمینه کاهش تحریم ها و دستیابی به يك توافق را فراهم می سازد، اما دولت قبل این فرصت تاریخی را از دست داد. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی انتظار می رود که ترامپ به نسبت به قبل تغییری نکرده و اتفاقاً تجربه بیشتری هم پیدا کرده همان سخت گیری های قبلی را علیه ایران تداوم بخشد. آنجا که ترامپ به طور کلی طرفدار جنگ نیست، تلاش می کند از طریق فشار اقتصادی فراینده بر کشورمان دست بالا را در مذاکرات احتمالی با ایران داشته باشد. اما تفاوت این دوره ریاست جمهوری ترامپ با دوره سال ۹۷ آن است که دولت حسن روحانی و پس از آن دولت رئیسی در آن مقطع منابع و فرصت های اقتصادی دیگری داشت تا در غیاب درآمد های نفتی که به دلیل تحریم های شدید ترامپ کاهش یافته بود، استفاده کنند. در آن مقطع یکسری از اموال دولتی و شرکت های دولتی را فروختند. در دولت ابراهیم رئیسی مالیات ها را به شدت افزایش دادند. اوراق قرضه منتشر کرده و فروختند، از صندوق توسعه ملی برداشت کرده و استفاده کردند و سایر امکانات و ظرفیت های دیگر را هم به کار گرفتند. این در حالی است که امروز تقریباً می توان گفت که اغلب ظرفیت های ممکن اقتصادی استفاده شده است.

سید احمد علم الهدی درباره شب یلدا:

کسانی که در این شب گناه می کنند در زندگی شان شومی و نکبت به بار می آورند!

نزد خدا محبوب تر از ازدواج و تشکیل خانواده نیست. وی ادامه داد: محور زندگی و حیات انسان ، خانواده است و عشق و محبت و گرمای خانواده، جایگاه مهر و محبت و گرمای عشق و محل تحقق آرزوها و آرمان هاست و در زندگی خانوادگی، محور، زن است. امام جمعه مشهد با اشاره به این که ۲ اصل در خصوص خانواده وجود دارد و آن این است که خانواده هم آرامشگاه و هم پرورشگاه است گفت: کارگردان اصلی و هنرنمای جدی و قهرمان اصلی میدان آرامشگاه و پرورشگاه خانواده زن است و امام علی در این خصوص می فرمودند که هر وقت وارد خانه می شوم و فاطمه را می بینم آرامش کامل پیدا می کنم. علم الهدی افزود: زن با داشتن ۲ خصیصه آرامش بخشی و امکان تربیت و پرورش دهنده گی می تواند امکان تعالی مرد را مسایل، یک اصلی را برپای مانابث می کند و آن این است که خانواده، زن، محور است و آنچه در زندگی انسانی اصالت دارد مساله خانواده است و پیامبر در این خصوص می فرمایند هیچ بنایی در



نکبت به بار می آورند، اما کسانی که این شب را در محفل خانواده سپری می کنند برایشان خیر و برکت به همراه دارد. امام جمعه مشهد گفت: بزرگترین امتیاز وجود حضرت فاطمه (س)، جامعیت آن حضرت است یعنی زهرا ای اطهر وجود مقدسی است که در هر بعدی از ابعاد زندگی چه در عرصه های سیاسی و مقاومت و چه

تلنگر

چالش های توافق هسته ای

منظور از

«موعد سر نوشت ساز» چیست؟

رئیس دولت های یازدهم و دوازدهم، به رسم سخنرانی های سه سال اخیرش، یک بار دیگر دست به پرده برداری از برخی پشت پرده ها زده است؛ از واکنش ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه به عدم خروج ایران از برجام گرفته تا تحولات سوریه و نزدیک بودن خطر جنگ به کشور. در این میان دو فراز از سخنان او، یعنی گفته هایی از برجام و نقش رهبری در جلوگیری از کشیده شدن پای ایران به جنگ بیشتر دیده شده است. گویبی روحانی به جای دولت، پاسخ جناح مخالف برجام و دیپلماسی و طرفدار تنش را داده است. موضوعی که با مروری بر پیشینه سخنان او بیشتر روشن می شود.

تدبیر نظام

حسن روحانی گفته واکنش ایران به خروج آمریکا از برجام باعث تعجب و سردرگمی رئیس جمهور آمریکا شده است. چراکه او انتظار داشته پس از خروج از برجام، ایران نیز از توافق هسته ای خارج شود تا قطعنامه ها و اجماع بین المللی علیه کشور دوباره فعال شود. البته او این ها را به نقل از رئیس جمهوری روسیه گفته: «در همان سال [سال خروج آمریکا از برجام] در دیداری که با ولادیمیر پوتین داشتم او برای من توضیح داد که آمریکا فکر می کرد به محض اینکه از برجام خارج شود ایران هم بلافاصله از برجام خارج می شود. روشن بود که اگر ما از برجام خارج می شدیم، کل برجام فرومی ریخت. پوتین گفت وقتی شما خارج نشدید و به ۴۰۱ مهلتی دادید، ترامپ کاملاً گیج شد، چون برنامه اش به هم خورد. پوتین گفت من از هوشمندی شما دچار تعجب شدم، چون قرار بود او خارج شود و سپس شما خارج شوید و برجام از بین برود و تمام قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران برگردد.»

رئیس جمهور اسبق در ادامه صحبت از رویکرد ایران در قبال خروج آمریکا از برجام برای تشریح عملکرد گفته که «نظام و دولت» بسیار حساب شده عمل کردند. استفاده از کلیات واه نظام در کنار دولت برای توضیح رویکرد سیاست خارجی ایران، احتمالاً پاسخی که به مخالفان برجام و دولت که در آن مقطع خواستار خروج ایران از توافق هسته ای بودند. حتی در آن مقطع سخنگویان این جناح تندرو در مجلس نسخه ای از برجام را هم آتش زدند.

شمشیر دوله

تکرار موضع سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه و عضو هیات مذاکره کننده ایران در توافق هسته ای بخشی پایانی سخنان روحانی درباره برجام بود. او گفته اگر «در چند ماه آینده بتوانیم تا مهر ۱۴۰۴ برجام را با تدبیر لازم حفظ کنیم، کار بزرگی انجام گرفته است.» موعدی که روحانی به آن اشاره کرده موعد پایان قطعنامه ۱۲۳۱ است که پس از توافق هسته ای در ادامه آن در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد. بر این اساس اگر این قطعنامه به طور خودکار پایان یابد، همه چیز از بین خواهد رفت، اما به گفته عراقچی «احتمالاً قبل از آن، اگر توافقی نشود، ما با شرایط بحرانی مواجه خواهیم بود.» این یعنی موعد مهر ۱۴۰۴ برای ایران شبیه شمشیری دوله است. از یک سو اگر شرایط فعلی بدون هیچ تغییری به مهر ۱۴۰۴ برسد، قطعنامه ۱۲۳۱ به پایان خود می رسد و اعضای توافق هسته ای دیگر نمی توانند از این سازوکار علیه ایران برای بازگشت تحریم ها استفاده کنند. در آن شرایط غربی ها باید از نقطه صفر آغاز به تدوین قطعنامه علیه ایران و تلاش برای همراه کردن سایر کشور و تصویب آن کنند. اما اگر پیش از این موعد این سازوکار و فعال شدن شش قطعنامه شورای امنیت چگونه کار می کند؟ براساس این سازوکار اگر عضوی به این نتیجه برسد که عضو دیگری به تعهدات خود ذیل برجام پایبند نیست، موضوع را به «کار گروه رفع تحریم» که با نماینده ارشد اتحادیه اروپا هماهنگ است، ارجاع دهد. این کارگروه، ۳۵ روز فرصت دارد جهت رضایت طرفین، مشکل را رفع کند. در این چارچوب ابتدا موضوع به کمیته مشترک ارجاع می شود که از ۸ نماینده یعنی ۶ نفر از ۵+۱، یک نفر از اتحادیه اروپا و یک نفر از ایران تشکیل خواهد شد. این کمیته نیز ۱۵ روز وقت دارد تا به موضوع رسیدگی کند. در این فاصله اگر یک عضو بر عدم حل اختلاف اصرار داشته باشد کمیته موضوع را به سطح وزرای خارجه می برد و فقط ۱۵ روز برای حل مسأله زمان در نظر گرفته شده است. اگر کمیته این زمان را تمدید نکند هیات مشاوره سه نفره که یکی از آنها مستقل از برجام می کند. اگر موضوع بار دیگر به نتیجه نرسد بار دیگر به کمیته مشترک ارجاع شده و ۱۵ روز زمان برای حل آن در نظر گرفته می شود. پس حل نشدن اختلاف در این مرحله است که موضوع به شورای امنیت سازمان ملل می رود. اینجا مرحله پایانی سازوکار حل اختلاف در برجام است. اگر اسنپ بک فعال شود، قطعنامه ۲۲۳۱ متوقف و شش قطعنامه قبلی شورای امنیت مرتبط با ایران که قطعنامه ۲۲۳۱ آنها را ملغی کرده بود، دوباره به اجرا می آید. این قطعنامه شامل تحریم های همه جانبه علیه نهادها و افراد حقیقی و حقوقی در ایران می شود و دولت ها و اتحادیه اروپا نیز ملزم به رعایت آنها خواهند بود.